

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين

اهمیت سرنوشت اولاد برای والدین

سرنوشت فرزند و اولاد برای پدر و مادر اهمیت دارد، برایش مهم است، می سوزد از اینکه بچه اش درد می کشد، خوشحال می شود از اینکه بچه اش خوشحال است، ناراحت می شود از اینکه ناراحت است، از نداری او خودش ندار می شود، از دارایی او دارا می شود، این نشان می دهد که والدین نسبت به سرنوشت اولاد احساس مسئولیت می کنند. والدین نسبت به سرنوشت فرزندشان احساس مسئولیت می کنند، او چیزی را که برای خودش می خواهد برای او هم می خواهد و آن چیزی را که برای خودش نمی پسندد برای او نمی پسندد. همه خوبی ها را برای او می خواهد، همه بدی ها را برایش نمی خواهد، این می شود خوبی و خوشی. خوشبختی او را خوشبختی خود و بدبختیش را بدبختی خود می داند. خیر خواهی والدین نسبت به اولاد. احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت دیگری.

معنی امر به معروف و نهی از منکر

حالا پدر و مادر کاری می کنند که این خوبیها به هر طریقی به بچه اش برسد، دست و پا می زند، تلاش می کند، به او می فهماند که این خوبی را به نحوی به فرزندش برساند یا او را از این بدی به نحوی باز دارد، نگذارد بدی به او برسد. این را امر به معروف و نهی از منکر گویند.

ببینید امر به معروف و نهی از منکر یعنی من نسبت به سرنوشت این آدم احساس مسئولیت می کنم. چیزی که به خیر و صلاحش هست به مصلحتش هست می خوام به او برسانم و آن چیزی که به صلاحش نیست، به ضرر و مفسده اش در آن هست می خواهد بنحوی از او دفع کند

هر چقدر احساس مسئولیت نسبت به او بیشتر باشد بیشتر تلاش می کنم. اسم این تلاش می شود امر به معروف.

امر به این معنی نیست که انسان امر بکند و دستور بدهد بلکه یکی از مراتبش امر و دستور است بلکه به این معنی است که اینکه آدم هر خوبی را برای او بخواهد و به نحوی تلاش کند آن را به او برساند نهی از منکر یعنی بخواهد تمام بدیها از او دفع شود. این می شود امر به معروف و نهی از منکر.

دایره امر به معروف و نهی از منکر

بعضی از ما فکر می‌کنیم امر به معروف و نهی از منکر یعنی اینکه مثلاً فقط حجاب و پوشش و این چیزها هست! نه هر چیزی که باعث خوشی یک نفر شود، باعث عاقبت بخیریش شود، باعث رشد و کمالش شود و کسی بخواهد به طرف برساند می‌شود امر به معروف، مثلاً کسی چند وقت بیکار است، در خانه نشسته، سرپرستی چند عائله را به عهده دارد، دستش به دهندش نمی‌رسد، اگر یک کاری برایش جور کنم به آرامش می‌رسد، زندگیش سامان می‌گیرد این می‌شود امر به معروف؛ جوانی می‌خواهد ازدواج کند، جهیزیه ندارد هزینه ازدواج را ندارد، زندگیشان دارد نابسامان می‌شود اینکه من به این را بزنم به او را بزنم از این طرف از آن طرف یا از خودم بکنم برای اینکه این بچه را بفرستم سر خانه و زندگیش می‌شود نهی از منکر.

اگر جامعه‌ای افرادش زنده باشند، احساس درد داشته باشند، نسبت به سرنوشت بقیه افراد احساس مسئولیت کرده و واکنش نشان بدهند به او بفهمانند یا برسانند می‌شود امر به معروف و نهی از منکر

ملاک بهترین امت بودن

خدا می‌فرماید: کنتم خیر امت شما بهترین امت هستید. چرا بهترین امت هستید؟ چون نماز می‌خوانید؟ نه. چون حج انجام می‌دهید؟ نه. چون روزه می‌گیرید؟ نه. چون جهاد می‌کنید؟ نه. می‌فرماید چون «تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» چون شما زنده اید، چون شما نسبت به سرنوشت هم احساس مسئولیت می‌کنید، چون شما اگر ببینید یک نفر دارد تو چاه می‌افتد ساکت نمی‌شوید، اگر یک نفر دارد می‌سوزد، آتش گرفته، خاموشش می‌کنید.

اگر دیدید جامعه و این کشتی دارد غرق می‌شود ساکت نمی‌شوید. اگر بدانید چیزی به خیر و مصلحت یک نفر هست به او می‌رسانید. این می‌شود جامعه زنده، جامعه‌ای که در آن افراد نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کنند.

عکس العمل و اصلاح طلبی با احساس مسئولیت

دو تا بچه هستند که سیگار می‌کشند می‌آیم و در گوش یکی می‌زنم، ولی به دیگری محلی نمی‌گذارم می‌گویند: چرا این را زدی ولی آن را کاری نداشتی؟ می‌گویم این بچه من است و به من چه؟ آن بچه همسایه است. پس من نسبت به بچه خودم احساس مسئولیت کردم ولی نسبت به او احساس مسئولیت نکردم نتیجه اش این است که بچه من سیلی که خورد دفعه بعد این خطا را نمی‌کند، ولی او خطا را ادامه می‌دهد،

چکاب جامعه با این اصل

جامعه ای که افراد نسبت به سرنوشت دیگران احساس مسئولیت می کنند مثل کشتی است که دائما چکاپ می شود، دائما یک سری مهندس داخلش هستند اگر یک جایش دارد خراب می شود، اگر جایی از آن دارد آسیبی می بیند، اگر این وسیله دارد اتفاقی برایش می افتد آن را اصلاح می کنند، به خاطر همین کسانی که اهل امر به معروف و نهی از منکر هستند می شوند اصلاح طلب واقعی، اصلاح طلب واقعی کسانی هستند که اهل امر به معروف و نهی از منکر هستند.

بالاترین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر

این امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد و بالاترین مرتبه آن این است که آدم وقتی ببینه جامعه ای دارد مسیر اشتباهی می رود، یا فساد دارد در جامعه شیوع پیدا می کند از جانش مایه می گذارد. جانش را می دهد به خاطر اینکه این بدی را دفع کند، اسمش می شود مجاهد و شهید. شهید کسی است که برای سرنوشت بقیه افراد اهمیت قائل است برای کشور و ناموسش برای منابع و امکانات کشورش احساس مسئولیت می کند، تا جایی که حاضر می شود به خاطر اقامه خوبی ها و به خاطر از بین رفتن بدی ها جانش را قربانی کند جانش را در راه می دهد.

شهادت بزرگترین مصلحین

یعنی بالاترین مصلح در یک جامعه شهید است و شهید کسی هست که جانش را می دهد به خاطر اینکه حق به حق دار برسد.

ان شاء الله ادامه مبحث را جلسات دیگر در خدمتتون هستیم راجع به مقام شهید بیشتر توضیح می دهیم که بفهمیم شهدا چه جایگاهی در پیش خدا و در جامعه دارند.

ان شاء الله عاقبت همه مان ختم به خیر شود خدا سایه پدر و مادرها را بر سر اولادشون حفظ کند و بچه هاشون را در مسیر هدایت در مسیر عاقبت به خیری قرار بده یک صلواتی عنایت بفرمایید.